

رد پای تاریخ، فرهنگ و اعتقادات دینی در میراث فرهنگی شهرستان چابهار

دکتر فاطمه الهامی^۱، سودابه علی آبادی^۲

^۱استادیار دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار

^۲کارشناس ارشد حفاظت آثار تاریخی سازمان میراث فرهنگی تهران

چکیده

چابهار که در گذشته با وسعتی بسیار گسترده تر از امروز "مکران" نامیده می شده است، از قدمت و پیشینه تاریخی قابل ملاحظه ای برخوردار است. بر اساس اسناد تاریخی، قدمت این ناحیه به دوران باستانی مادها می رسد و شواهد تاریخی نشان از اهمیت این سرزمین در طول دوران پیش از اسلام و پس از آن دارد. طبیعتاً سرزمینی با این قدمت از میراث فرهنگی غنی برخوردار است. کثرت آثار باستانی به جا مانده گویای جریان زندگی از گذشته های بسیار دور در این سرزمین بوده است. این مقاله بر آن است تا با بررسی میراث فرهنگی چابهار، ضمن معرفی آثار باستانی، به ویژگی های فرهنگی، باورهای اعتقادی و آداب زندگی کسانی که در گذرگاه تاریخ در این مکان زیسته اند، بپردازد و با شناخت بهتر مردمان این مرز و بوم، آگاهی لازم را به نسل جوان منتقل کند. از سوی دیگر این گونه معرفی ها به جذب توریست و رواج صنعت گردشگری در این دیار مدد می رساند.

در هر حال معرفی و کنکاش در این آثار سبب می شود نسل جوان به هویت واقعی خود پی ببرد و بداند که گذشتگان چگونه می اندیشیدند؛ چگونه زندگی کرده اند؛ در مخاطرات چگونه مبارزه کرده اند و در مقابل شکست و پیروزی چه واکنشی نشان داده اند و از همه مهمتر اینکه رد پای زندگی آنان بر آثار به جا مانده می تواند آینه عبرت آیندگان قرار گیرد.

کلید واژه: آثار باستانی، چابهار، مکران، میراث فرهنگی.

۱- مقدمه:

چابهار، تنها بندر اقیانوسی ایران با دارا بودن ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی در دریای مکران (عمان) و دهانه اقیانوس هند از گذشته های بسیار دور دارای اهمیت ویژه ای بوده است. در وجه تسمیه آن به چابهار گفته اند: به دلیل تغییرات بسیار کم دما در فصول مختلف و سرسبزی همیشگی درختان، فصول چهارگانه آن به فصل بهار تشبیه شده است؛ لذا این شهر به چهاربهار معروف شده که به تدریج به چابهار تغییر نام داده است (ملک رئیسی، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

۱-۱ پیشینه تاریخی:

بر اساس شواهد موجود این شهر بندری پس از متروکه شدن بندر تیس (تیز) نام و اعتبار گرفت. این ناحیه در وسعتی گسترده تر در گذشته مکران نامیده می شد، در دوره های مختلف تاریخی به دلیل داشتن موقعیت خاص استراتژیک و شرایط مناسب همواره مورد توجه بوده است. در کتیبه های به جا مانده از روزگار هخامنشیان نام این سرزمین ماکا یا مکه ضبط شده و استان چهاردهم بوده است (افشار، ۱۳۷۲: ۱۴۳). در وجه تسمیه آن نظرات مختلفی ذکر شده است: سر توماس هلدیچ، مکران را از دو کلمه فارسی ماهی خوران می داند که در اثر کثرت استعمال به مکران تبدیل شده؛ سرپرسی سایکس می گوید: مکران به داشتن باتلاق های زیاد معروف بوده؛ در سانسکریت به باتلاق آرانیا یا ایرنیا می گویند؛ وی احتمال می دهد مکران از ریشه ماکا ایرینا باشد؛ به خصوص که در حوالی سند، مکران با کاف مفتوح تلفظ می شده، بنابر این می گوید تردیدی نیست این کلمه از ترکیب ماکا و ران (باتلاق) باشد (همان: ۱۴۴).

پیشینه تاریخی مکران و ناحیه جنوب شرقی ایران پیش از اسلام به روزگار مادها به ویژه سلطنت آستیاگ یا ایشتو ویگو (۵۸۵-۵۵۰ ق.م) می رسد که یکی از ساتراپی های (استان های) شرقی آن دولت بوده و به نام سرزمین پاریکانیان و حبشیان آسیایی از آن یاد شده است (دیاکونوف، ۱۳۵۷: ۳۲۰ و ۳۸۳). در سال های ۵۴۵-۵۴۰ ق.م. ایالت های شرقی ایران از جمله مکران به وسیله کورش بزرگ فتح شد (دیاکونوف، ۱۳۴۶: ۱۰۵) و در زمان سلطنت داریوش این سرزمین جزو ایالت فلات ایران به شمار می رفت (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۱۳). کیخسرو پادشاه کیانی به منظور کین خواهی از خون

سیاوش به ترکستان حمله کرد و پس از پیروزی بر تورانیان، به عم خود «برزافره» خلعت داد و مملکت کرمان و مکران را به وی واگذار کرد (بلعمی، ۱۳: ۶۱۳). پس از حمله عرب ها به ایران و زوال سلسله ساسانیان در سال ۲۴ ه. ق. عمر بن خطاب، خلیفه دوم، سهیل بن عدی و عبدالله بن عتیان را برای تصرف کرمان و مکران اعزام داشت. بیشتر کرمانی ها و مکرانی ها دادن جزیه را پذیرفتند و گروهی نیز مسلمان شدند (افشار، ۱۳۷۲: ۱۴۹). بر اساس شواهد تاریخی، ناحیه مکران پس از اسلام در تمامی سلسله های طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل بویه، غزنویان و ... از جمله نواحی است که مورد توجه و تصرف حاکمان وقت بوده و همواره والیان و حاکمانی برای آن تعیین شده است. (همان)

در هر حال این سرزمین با چنین قدمتی باید از میراثی غنی و ارزشمند در تاریخ و فرهنگ برخوردار باشد. این مقاله بر آن است تا با بررسی میراث فرهنگی چابهار، ضمن معرفی آثار باستانی، به ویژگی های فرهنگی، باورهای اعتقادی و آداب زندگی کسانی که در گذرگاه تاریخ در این مکان زیسته اند، بپردازد و با شناخت بهتر مردمان این مرز و بوم آگاهی لازم را به نسل جوان منتقل کند. از سوی دیگر این گونه معرفی ها به جذب توریست و رواج صنعت گردشگری در این دیار مدد می رساند.

اگرچه این ناحیه از جاذبه های طبیعی منحصر به فردی نیز برخوردار است که سالانه گردشگران بسیاری را به سوی خود جذب می کند؛ اما این مقاله تنها قصد پرداختن به پدیده هایی را دارد که بر مبنای اعتقادات مذهبی، حوادث تاریخی و آداب و رسوم فرهنگی منطقه به عنوان میراث فرهنگی این خطه معروف و مشهور شده است. روش کار بر مبنای تحقیقات کتابخانه ای است. ابتدا به تعریف میراث فرهنگی و جایگاه آن می پردازیم؛ سپس ضمن معرفی برخی از آثار باستانی برجسته در این شهرستان، شکل گیری آثار را بر مبنای تقسیم بندی زیر می آوریم:

۱- ارزش های دینی و مذهبی . ۲- حوادث تاریخی و قدرت های استعماری . ۳- قدرت سیاسی و اقتدار حاکمیت در منطقه .

این تقسیم بندی نگاهی نقد گونه و محتوایی به میراث فرهنگی چابهار دارد . لازم به ذکر است در معرفی میراث فرهنگی شهرستان چابهار کار دقیق و مدونی صورت نگرفته است و به نظر می رسد میراث باستانی در این ناحیه باید مورد حمایت جدی تری قرار بگیرد.

۲- میراث فرهنگی:

پیش از معرفی میراث عظیم و ماندگار این سرزمین لازم است به تعریف میراث فرهنگی و جایگاه آن بپردازیم:

میراث: به طور کلی به هر چیزی که از پیشینیان به آیندگان آن ها برسد، گفته می شود.

فرهنگ: به مجموعه دستاوردها، ارزش های معنوی و مادی جامعه بشری گفته می شود که در طول تاریخ به وجود آمده مثل روابط اجتماعی، هنر، فلسفه، اخلاق، علم، تکنیک و ...

میراث فرهنگی، شامل مجموعه ی از ابنیه و اشیای ساخته شده نسل های گذشته در طول تاریخ چند هزار ساله می باشد که منعکس کننده آداب و رسوم، اعتقادات و اندیشه ها و بازتاب نوع زندگی و علایق آنان در محیط پیرامون خود است و این میراث غنی دارای ارزش فرهنگی است و پیام رسان ارزش های مادی و معنوی به آیندگان باشد. به عبارت دیگر: «هر پدیده ای (اعم از منقول و غیرمنقول، مادی و معنوی) که قدمتی دارد و حامل پیام انسانی است. چیزی از انسان های گذشته برای عرضه دارد.» (حجت، ۱۳۸۰: ۸۱) بنابراین با این تعریف شیء بودن، قدمت و پیام انسانی را می توان سه معیار اصلی میراث فرهنگی در نظر گرفت؛ البته این پیام مستتر در آثار تاریخی است که این نوع آثار را از گونه دیگری از موارث که طبیعی یا طبیعت ساز نامیده می شود، متمایز می سازد. نکته تأمل برانگیز این که اهمیت درک پیام های نهفته در میراث اعصار و افعال آدمیان به گونه ای است که در قرآن کریم به کرات توصیه شده است. به طور مثال: «فالیوم ننحیک بدنک لتکون لمن خلفک آیه وان کثیراً من الناس عن آیاتنا لغافلون» پس ما امروز (تو را غرق دریای هلاک کرده) بدنت را برای عبرت خلق و بازماندگانت به ساحل نجات می رسانیم؛ با آنکه بسیاری از مردم از آیات قدرت ما سخت غافل هستند. (سوره مبارکه یونس، آیه ۹۲)

۳- جایگاه و اهمیت میراث فرهنگی:

میراث فرهنگی، یکی از مهم ترین عوامل توجیه کننده و بیان کننده هویت ملی و اجتماعی یک ملت محسوب می شود. این میراث از دو بعد گوناگون مادی و معنوی برخوردار است. بعد مادی میراث فرهنگی از دیرباز به سبب ماهیت و ویژگی های صوری خود شناخته شده، ارزش های آن کم و بیش در هر دوره مورد تاکید قرار گرفته، تخریب آن قابل مشاهده و محسوس بوده و اهمیت بازسازی، حفظ و نگهداری آن پیوسته آشکار بوده است؛ اما بعد معنوی میراث، که در اصل عامل به وجود آورنده میراث مادی است؛ با وجود این که نسبت به شکل های صوری میراث فرهنگی، قدیمی تر، اصیل تر و بسیار با ارزش تر و گسترده تر است، به سبب ماهیت معنوی و ناملموس خود، در طول سده ها و هزاره ها پیوسته از چشم به دور مانده و تنها به دلیل عادت های فرهنگ جوامع، به حیات خود ادامه داده است. مفهوم میراث فرهنگی با گذشت زمان تغییر کرده است و امروزه با اوضاع و شرایط بومی ارتباط تنگاتنگی دارد. در گذشته به میراث فرهنگی به چشم شیء ماندگار و جاویدان نگریسته می شد، اما امروزه این دیدگاه تغییر یافته و میراث فرهنگی، مفهوم جدیدتری به خود گرفته که عبارت است از: آمیزه ی پیچیده ای از طبیعت و تاریخ، آداب و رسوم، زبان و سنت ها. بنابراین سیاست های حفظ و نگهداری را باید کنار گذاشت و به دنبال سیاست های تعیین ارزش و پیشرفت حرکت کرد، یعنی سیاست هایی که در روند کار جستجو و اکتشافات هویت فرهنگی یک ناحیه اهمیت بسزا دارند.

از سوی دیگر میراث فرهنگی هر ملتی بیانگر هزاران جنبه از نبوغ آن ملت و تداوم اسرارآمیزی است که هر آن چه را که آن ملت در طول قرن ها آفریده است و هر آن چه را که می تواند بالقوه در آینده بیافریند به یکدیگر ارتباط می دهد. میراث فرهنگی در نقش یک عامل هویت ساز بیانگر چیستی و کیستی یک جامعه یا یک شهر و روستا است و چون با زندگی مردم عجین می شود، لذا همواره زنده خواهد ماند. یکی از مهم ترین ارزش های میراث فرهنگی، نادر یا کم نظیر بودن این گونه آثار است. دقیقاً به دلیل همین ویژگی است که حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی از ضروری ترین اقدامات قلمداد می شود.

۴- میراث فرهنگی در چابهار

چابهار دارای آثار باستانی و تاریخی متعددی می باشد: روستا و بندر تاریخی تیس، قلعه پرتغالی ها بر روی تپه ای در ۵ کیلومتری چابهار و مشرف بر خلیج چابهار، مقبره امامزاده سید غلام رسول در نزدیکی میدان شیلات شهر، مقبره های سنگی روستای تیس، ویرانه های شهباز بند، ساختمان قدیمی تلگراف خانه انگلیس، گودانگریز "گود انگلیس"، قلعه و غار "بان مسیتی" در روستای تیس، محوطه باستانی دمب کوه، قلعه گواتر، قلعه پیروزگت و بلوچ گت، گورستان ها و نیز مساجد قدیمی و... از جمله آثار باستانی و مراکز تاریخی شهرستان چابهار محسوب می شوند.

بر اساس ارزش محتوایی (دیدگاه اعتقادی، تاریخی و سیاسی)، میراث به جا مانده در شهرستان چابهار را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

۴-۱ شکل گیری آثار بر مبنای ارزش های دینی و مذهبی:

برخی از آثار ارزش دینی و مذهبی دارند و به نوعی جزو میراث معنوی به شمار می آیند. یکی از ارزش های میراث فرهنگی ارزش هویتی آن است: این دسته از ارزش ها نمایانگر پیوندهای عاطفی جامعه با میراث فرهنگی است. عناصری چون رویدادهای اساطیری، داستان های افسانه ای، مراسم آئینی، رخدادهای شخصیت های ملی و مذهبی که در بطن آثار تاریخی نهفته است، از جمله عناصر هویت بخش است که دریافت های عاطفی جامعه را شکل می بخشد. برخی از آثار فرهنگی چابهار به گونه ای از باورها و اعتقادات دینی مردم مایه گرفته است و وجود یک شخصیت خاص به آن اثر معنا بخشیده است. قدمت این آثار نشان از ایمان راسخ و اعتقاد عمیق مردم این دیار به باورهای دینی و مذهبی در اعصار مختلف دارد. نمونه ای از این آثار در ذیل آورده می شود:

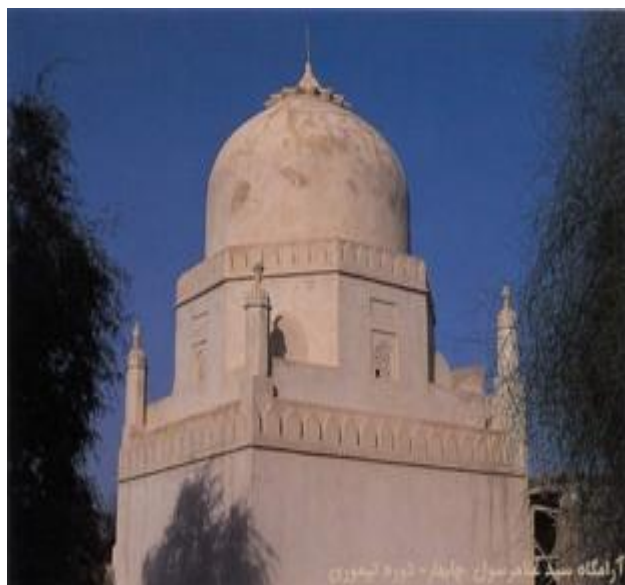
۴-۱-۱ آرامگاه سید غلام رسول:

قدمت آرامگاه سید غلام رسول قریب به هزار سال به ۴۶۵ ه.ق باز می گردد. این آرامگاه با دیواره های سفید رنگ به سبک معماری هندی در روزگار سلجوقی ساخته شده و در دوره صفویه نیز طرح های نقاشی بر روی دیوارها تعبیه گشته است. (افشار، ۱۳۷۲: ۱۹۲) در شرح احوال صاحب این آرامگاه روایتی نقل شده که بعضاً با اغراق آمیخته شده است. نام اصلی وی «سیدنا محمد» مردی صالح و اصالتاً ایرانی که مورد عنایت مسلمانان هند بوده است. وی با هدف ازدواج با زنی ایرانی به چابهار سفر می کند. اما در شب عروسی به دلیل کسالت در بستر مرگ می افتد. او در واپسین لحظه های زندگی وصیت می کند پس از مرگش هرگز برای او سوگواری نکنند و در عوض ناکامی اش از زندگی به مدت ۱۰ شبانه روز برایش شادی و دست افشانی کنند. از

این رو سالی یک بار مردم به ویژه شیعه های حیدر آبادی در این مکان جشن و سرور برپا می کردند(فتحی، ۱۳۵۴: ۳۸)؛ اما در حال حاضر برگزار نمی شود. این مکان به دلیل تقدسی که نزد مردم داشته در طول مدتی که مردها در صحن بیرونی به ساز و دهل می پرداختند، زنان پیر در درون حرم به دعا مشغول می شدند.



نمای داخلی آرامگاه سید غلام رسول



۴-۱-۲ قدمگاه خضر:

قدمگاه خواجه خضر در جنوب غربی چابهار در محلی به نام «سپوزه» واقع است. خواجه خضر از مشایخ مورد احترام بلوچ ها بوده است. وی مقبره ندارد؛ زیرا مردم چابهار بر این باورند که او زنده است و پاسدار دریاها و حامی لنج ها و کشتی ها می باشد و در سواحل دریاها زندگی می کند. جمعه ی هر هفته زنان حاجتمند پای پیاده با سیدی یا ظرفی خرما به زیارتش می روند و خیرات می دهند. ملاحان پس از پایان سفر و رسیدن به ساحل به در این قدمگاه شمع روشن می کنند (دهخدا، ذیل بلوچ)

۴-۱-۳ زیارتگاه غار فقیر:

زیارتگاه غار فقیر یا پکیر در بخش دشتیاری چابهار واقع شده است. در این زیارتگاه متولیان یکی پس از دیگری انتخاب و پس از فوت در محوطه همین زیارتگاه مدفون می شوند. این زیارتگاه نیز مورد اقبال و توجه مردم چابهار است. (جاذبه های گردشگری چابهار، ۱۳۸۷)

۴-۱-۴ حسینیه آل رسول:

این اثر در بافت قدیم شهر چابهار و در مجاورت دریا واقع شده است که شامل یک حیاط کوچک ساختمان حسینیه و یک حیاط خلوت است. تزئینات معماری جالبی در قسمت داخل و خارج حسینیه لحاظ گردیده که شامل تزئینات دندان موشی و طاقچه و طاق هایی با قوس جناقی هلالی در داخل بنا و تک مناره و تزئینات مثلثی و طاق جناقی پنجره ها تزئینات خارجی حسینیه را شامل می شود.



حسینیه آل رسول

جدا از موارد ذکر شده آرامگاه ها، زیارتگاه ها و مساجد بسیاری در چابهار و توابع آن وجود دارد؛ از جمله: آرامگاه شیخ محمد، آرامگاه سید محبوب شاه، آرامگاه کومد، آرامگاه شیخ هارون؛ زیارتگاه حاج حسین، زیارتگاه پیر سهراب، زیارتگاه چیچک، زیارتگاه پزم، زیارتگاه شیخ فرج؛ مسجد میر احمد، مسجد میر مئا، مسجد قدیمی کلات داد الله، مسجد قدیمی گیتیگ، مسجد قدیمی کلات پارک هوتان و ... (جاذبه های گردشگری چابهار، ۱۳۸۷) که پرداختن به تمامی این ها در این مقاله امکان پذیر نیست؛ اما همان گونه که ذکر شد، کثرت این ابنیه گویای اعتقاد عمیق و ایمان راسخ مردم به معنویات و باورهای دینی است.

اما برخی از پدیده های طبیعی در چابهار وجود دارد که تنها به خاطر منحصر به فرد بودن و بی نظیر بودن اهمیت ندارد؛ بلکه با داشتن بار فرهنگی و اعتقادی، در زمره میراث فرهنگی قرار می گیرند. زیرا میراث طبیعی را می توان دربر گیرنده ی تمامی پدیده های طبیعی از گذشته های دور تا به امروز دانست که دارای جایگاه یا نقش فرهنگی می باشند. در مواردی این پدیده ها نقش خود را تا به امروز نیز همچنان حفظ کرده اند و گاهی تنها در اسطوره ها و باورهای کهن باقی مانده اند. وقتی عنصر طبیعی با تقدیس همراه شود، ماهیت فرهنگی پیدا می کند و وارد عرصه ی فرهنگ می شود. در همه موارد از این گونه، آنچه عنصر طبیعی را به پدیده فرهنگی تبدیل می کند، جریان فرهنگ ناپایدار یا فرهنگ معنوی است (میرشکرای، ۱۳۸۴). از میان پدیده های طبیعی چابهار که بار فرهنگی و معنوی دارد، می توان به درخت انجیر معابد و غار بان میسیتی، اشاره کرد:

۴-۱-۵ درخت انجیر معابد:

در روستای رمین درختی پهناور و سالخورده ای وجود دارد که درخت انجیر معابد یا مکر زن نامیده می شود. این درخت به گونه ای رشد می کند که ساقه های آن پس از برخورد با سطح زمین در آن فرو رفته و دوباره از همان نقطه ساقه ای دیگر رشد می کند. به همین منظور اسم این درخت را مکر زن نامیده اند. این درخت برای مردم بومی مقدس است و در اصطلاح محلی به آن «کرک» نیز می گویند. در اعتقاد مصریان باستان ایزدان متعددی وجود دارند که در درخت مقدس می زیند. همین اعتقاد در اساطیر ایرانی نیز مشاهده می شود: درخت سرو تقدس ویژه ای دارد و نماد اهورا مزدا است. این تقدس در اکثر اساطیر جهان وجود دارد و درخت انجیر از جمله درختان مقدس به شمار می آید. (وارنر، ۱۳۸۶: ۴-۵۶۱) درخت انجیر معابد در

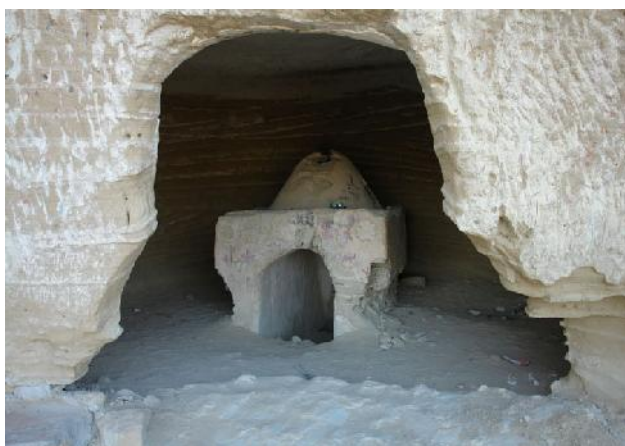
چابهار در حفاظت میراث فرهنگی این شهر قرار ندارد و به نظر می رسد مسئولین این حوزه هر چه زودتر می بایست اقدام اساسی در این زمینه به عمل آورند.



درخت انجیر معابد

۴-۱-۶ غارهای بان مسیتی

غارهای بان مسیتی در شمال روستای تیس واقع شده اند. بان به معنی اتاق و مسیتی یا مسیت بمعنی مسجد، در واقع محل عبادتگاه است. با توجه به اینکه در یکی از این غارها مقبره ای قرار گرفته، جنبه مذهبی دارد. این غارها در دامنه کوه بر روی بلندی قرار گرفته اند. تاجران هندی ساکن چابهار به این مکان احترام می گذاشتند و ضمن بازدید، نذر و نیاز می کردند. ظاهراً این غارها جزو یک واحد تأسیساتی ساختمانی بوده و به منزله حجرها و توقفگاه های معبد و پرستشگاه هایی بوده است (اقتداری، ۱۳۴۸: ۹-۶۵۷).





غارهای بان مسیتی

۴-۲ شکل گیری آثار بر مبنای حوادث تاریخی و قدرت های استعماری:

بعضی از آثار باستانی در چابهار بر مبنای حوادث تاریخی و از طریق نفوذ قدرت های استعماری پدید آمدند و جنبه عبرت آموزی دارند. چابهار از دیر باز به دلیل داشتن موقعیت خاص استراتژیک و شرایط مناسب بندری مورد توجه بوده و این خصوصیات باعث شد که پای بیگانگان و قدرت های استعماری به این شهر بندری مهم باز شود. این مسئله علاوه بر اقدامات استعماری از سوی بیگانگان باعث بر هم زدن بسیاری از تعاملات فرهنگی و اجتماعی چابهار شده است. چند اثر باستانی در چابهار به رد پای استعمار در این شهر اشاره دارد و باعث عبرت آیندگان از وقایع و حوادث تاریخی گذشته است:

۴-۲-۱- ساختمان قدیم پست :

این بنا در سال ۱۸۶۷ میلادی توسط انگلیسی ها احداث شد که در کارهای تلگرافی و دریانوردی مورد استفاده قرار گرفت. این ساختمان یکی از قدیمی ترین ساختمان های سنگی موجود در شهر چابهار می باشد و مربوط به دوران قاجار است که به منظور رونق دریانوردی و تجارت و ایجاد ارتباط بین هند، گواتر، چابهار، جاسک و بندرعباس توسط مجریان خط تلگراف ساخته شده است. این بنای منحصر به فرد در دو طبقه ساخته شده است.





ساختمان قدیم پست

۴-۲-۲ قلعه تیس (پرتغالی ها)

قلعه پرتغالی ها بر فراز تپه ای مشرف به جاده چابهار - تیس در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده است. این قلعه به دلیل پیشینه تاریخی و سیاسی اش در دوران های مختلف تاریخی کشور مورد توجه بوده است. پرتغالی ها در زمان استقرارشان در بندر چابهار آن را بنا نهاده و بعدها در دوران قاجاریه مورد بازسازی قرار گرفته است. برخی معتقدند قدمت تپه ای که این قلعه بر فراز آن بنا نهاد شده به دوران ماقبل تاریخ باز می گردد. اثبات این فرضیه گواه حضور فرهنگ های صیادی هزاره سوم پیش از میلاد در این منطقه است. بازدید از قلعه تیس که ویرانه های آن نشانه رشادت و پیروزی ایرانیان بر استعمار پرتغال است، به همه گردشگران توصیه می شود. (جاذبه های گردشگری چابهار، ۱۳۸۷)



قلعه پرتغالی ها



قلعه پرتغالی ها

۴-۲-۳ گود انگریز یا گودال انگلیس:

گود انگریز در دامنه فیل بند کوه در جنوب تیس قرار دارد. به نقل بومیان منطقه در اواخر دوره قاجاریه و اوایل حکومت پهلوی، انگلیسی ها به کمک پنجاه نفر کارگر بلوچ در این محل دست به حفاری زدند و مقادیری سفال، اشیاء برنزی، آهنی و سنگی پیدا کردند. کشف اشیاء مفرغی، چوبی و تابوت اهمیت این محل را از نظر تحقیقات علمی و باستان شناسی بیشتر می کند. سفال های ضخیم سیاه منسوب به دوره عیلامی از این محل وجود دارد (اقتداری، ۱۳۴۸: ۶-۶۷۳).

۴-۲-۴ قلعه گواتر

قلعه گواتر در امتداد جاده ساحلی چابهار- گواتر بر روی تپه ای مربوط به دوران پیش از تاریخ واقع شده است. پرتغالی ها در زمان تسلط بر عمان، پس از مسطح کردن تپه قلعه را ایجاد کرده اند. سفال های به دست آمده از این تپه دارای سبک و نقش های پیش از تاریخ است و اگر این مسئله ثابت شود، نشانه وجود فرهنگ صیادی در هزاره سوم پیش از میلاد در این منطقه خواهد بود. (جاذبه های گردشگری چابهار، ۱۳۸۷)

۴-۳ شکل گیری آثار بر مبنای قدرت سیاسی و اقتدار حاکمیت در منطقه:

برخی دیگر از آثار باستانی نشان از قدرت سیاسی، اقتدار حاکمیت و حساسیت منطقه در اعصار گوناگون دارد. همان گونه که ذکر گردید چابهار به دلیل موقعیت خاص استراتژیک و شرایط مناسب بندری و ۳۰۰ کیلومتر خط مرزی به آب های آزاد پیوسته مورد توجه حاکمان وقت بوده است. کثرت قلاع مختلف در این دیار گویای حساسیت منطقه در حفظ حاکمیت و امنیت آن بوده است. انواع قلعه ها، قلعه پیروز گت، قلعه انوشیروان، قلعه بلوچ گت، قلعه گواتر، قلعه باتل و قلعه تیس از جمله آثاری باستانی این منطقه است. همگی این قلاع بر روی کوه یا تپه بنا شده؛ از حصار و باروی تشکیل شده و عموماً دارای برج دیده بانی بوده است. معمولاً این قلعه ها یا محل استقرار حاکمان وقت بوده؛ یا به عنوان دژ مستحکم نظامی محل نگهداری تسلیحات جنگی و آموزش های رزمی بوده است. وجود برج های دیده بانی که وظیفه حفاظت منطقه را از حمله احتمالی دشمن برعهده داشته است، موید اهمیت و موقعیت خاص منطقه است. برای نمونه:

قلعه پیروز گت ظاهراً از آثار دوره اشکانی است و در روزگار ساسانیان آباد بوده است. «گت» در زبان بلوچی به معنای رئیس و بزرگ و سردار آمده است. شاید پیروز مأخوذ از اسم پیروز، پادشاه ساسانی بوده؛ زیرا مورخان بر این باورند که این استحکامات از پیروز شاه ساسانی به یادگار مانده است (فتحی، ۱۳۵۴: ۴۶-۴۵).

دیگر قلعه انوشیروان مقر حکومت انوشیروان خان حاکم باهو کلات که حدود ۳۰۰ سال پیش به فرمان او ساخته شده است. در هنگام بروز خطر و جنگ با صدای طبل، جنگجویان به دارالحکومه انوشیروان احضار و از آنجا به میدان جنگ اعزام می شدند. در زمین مسطح کنار قلعه معروف به زن طلاق، سوارکاران و جنگجویان یک روز در هفته جمع می شدند و آموزش های رزمی را فرا می گرفتند. قسم زن طلاق را می خوردند که حتماً در آموزش ها شرکت کنند (افشار، ۱۳۷۲: ۱۹۹).



قلعه پیروز گت

در هر حال ویرانه های به جا مانده از این قلعه ها و دژها همگی عبرت انگیز است و به ما می آموزد که هیچ قدرتی در دنیای مادی ماندگار نیست. همان گونه که خاقانی در قرن ششم با دیدن ویرانه های کاخ مداین اینگونه عبرت می گیرد:

هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان

ایوان مدائن را آیینی عبرت دان ...

گفتی که کجا رفتند آن تاجوران اینک

ز ایشان شکم خاک است آبستن جاویدان (خاقانی، ۱۳۳۸)

۵- نتیجه گیری:

همان طور که بیان شد میراث فرهنگی، بیانگر هویت هر جامعه است و حاکی از نگاه مردم جامعه به یک پدیده دارد. طرز زندگی، کیفیت زندگی، آداب و رسوم، عقاید، ارزشها، هنجارها و بالاخره، فرهنگ هر جامعه ای در میراث فرهنگی آن جامعه نهفته است. لذا حفظ و حراست از آن بر تک تک افراد هر جامعه امری ضروری و الزامی است. زیرا این میراث چه بناهای تاریخی باشند و چه فضاها و مناظر و طبیعت محافظت شده، دائماً در برابر خطرهای تخریبی ناشی از تأثیر گذشت زمان، اعمال غیرمسئولانه ی افراد، فرسایش، رطوبت، آلودگی، شهرسازی گسترده و توریسم گروهی و همگانی قرار دارد. در برابر چنین خطرهای موجود و رو به افزایش، ایجاد آگاهی جدیدی از نیاز به حفاظت از این میراث و حرکتی نوین برای مشارکت فعالانه در نگهداری و در اختیار عموم قرار دادن آن در سطح جهان، به خوبی احساس می شود.

شهرستان چابهار با پیشینه عظیم تاریخی و آثار باستانی متعدد که در سطح این شهرستان، روستاها و بخش های آن قرار دارد، بیانگر قدمت تاریخی و فرهنگی این سرزمین می باشد. با دسته بندی آثار تاریخی دریافتیم که قسمت اعظم این آثار با اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی آنان عجین شده است. کثرت مساجد، زیارتگاه ها و اماکن مذهبی که در این مقاله به دلیل محدودیت به همه موارد آن اشاره نشد، بیانگر مردمی است که در گذشته های دور با اعتقاد قلبی و تفکر مذهبی زندگی کرده اند و در آثار باستانی مادی رد پای اعتقاد و باورهای خود را حک کرده اند.

از سوی دیگر برخی حوادث تاریخی سبب شده آثاری بر جای بماند که حاکی از چهره تجاوزگر استعمار به این سرزمین دارد. آثار به جا مانده از این رویدادهای تاریخی انسان را به تفکر وا می دارد و به دوره ای می برد که گروهی بیگانه بر این سرزمین غلبه داشته اند. این وقایع که در بطن برخی آثار باستانی متجلی شده اند، می تواند درس عبرتی برای بازدیدکنندگان باشد. تعدد قلعه ها و دژهای به جا مانده در این دیار موقعیت حساس و استراتژیک منطقه را یادآور می شود و بیانگر این نکته است که این دیار همواره مورد هجوم حکام و فرمانروایان وقت بوده و این قلاع مقر حکمرانی و قرارگاه نظامی آنان بوده است.

در هر حال معرفی و کنکاش در این آثار سبب می شود نسل جوان به هویت واقعی خود پی ببرد و بداند که گذشتگان آنان چگونه می اندیشیدند؛ چگونه زندگی کرده اند؛ در مخاطرات چگونه مبارزه کرده اند و در مقابل شکست و پیروزی چه واکنشی نشان داده اند و از همه مهمتر اینکه رد پای زندگی آنان بر آثار به جا مانده آینه عبرت آیندگان است.

جدا از بحث تأثیر فرهنگی آثار باستانی، جنبه اقتصادی آن در توسعه صنعت گردشگری که از کارآمدترین و پویاترین فعالیت های فرهنگی و اقتصادی محسوب می شود، بر هیچ کس پوشیده نیست. بایسته است درهای میراث فرهنگی به روی جامعه داخلی و گردشگران خارجی باز شود و این گونه آثار را از حاشیه ایستای زندگی به متن پویا و پرتحرک آن وارد کرد، به ویژه در روزهایی که پرهیز از خام فروشی نفت توصیه می شود، صنایع کم ضرر اما بیش بازده به عنوان صنایع جایگزین کمک مؤثری به اقتصاد کشور خواهد کرد. بی تردید با مشارکت جوامع محلی در زمینه ی توسعه گردشگری نه تنها می توان از کمرنگ شدن هویت اجتماعی و فرهنگی این گونه جوامع جلوگیری کرد، بلکه می توان بر تقویت و تعمیق آن نیز همت گمارد.

در پایان از اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان چابهار که در ارائه اطلاعات و عکس ها به این جانبان مساعدت نمودند، تشکر و قدردانی می شود.

منابع:

- ۱- قرآن مجید
- ۲- میرشکرایی، محمد، «فرهنگ و میراث طبیعی»، کتاب ماه هنر، نشریه اطلاع رسانی و کتابداری، مرداد و شهریور، شماره ۸۳ و ۸۴، ۱۳۸۴.
- ۳- وارنر، رکس، دانشنامه اساطیر جهان، برگردان ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: اسطوره، ۱۳۸۶.
- ۴- بی نام، معرفی جاذبه های گردشگری چابهار (۲۰۰ نقطه دیدنی)، چابهار، اداره کل روابط عمومی سازمان منطقه آزاد، ۱۳۸۷.
- ۵- افشار، ایرج، چابهار و دریای پارس، زاهدان: انتشارات صدیقی، ۱۳۷۲.
 - دیاکونوف، ام. تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.
 - دیاکونوف، م. تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶.
- ۶- سایکس، سرپرسی، تاریخ ایران، جلد اول، ترجمه سید محمد تقی فخرداعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- ۷- بلعمی، ابو علی محمد بن محمد، تاریخ بلعمی، تالیف ابو جعفر محمد بن جریر طبری، تصحیح محمد تقی بهار، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، ۱۳۴۱.
- ۸- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، ۱۳۳۹.
- ۹- حجت، مهدی، میراث فرهنگی در ایران: سیاست ها برای یک کشور اسلامی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشگاه، ۱۳۸۰.
 - فتحی، محمد، سیر در قلمرو گمرک ایران - از سیستان تا خوزستان، تهران: فروردین ۱۳۵۴.
 - اقتداری، احمد، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.
 - خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل بن علی، دیوان خاقانی شروانی، به تصحیح ضیاء الدین سجادی، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۳۸.
- ۱۰- ملک رئیسی، حسین، چابهار بندر اقیانوسی ایران، زاهدان: تفتان، ۱۳۸۵.